



### چکیده:

سید محمد جواد موسوی غروی، پیرامون اصلی‌ترین مباحث نظری در کلام اسلامی، «چند گفتار» را تألیف نمود و در آن از جبر و اختیار، قضاء و قدر، بداء، خُلْد، اَبَد، عترت، شفاعت، تقیّه و بسیاری مجادلات نظری دیگر سخن راند. این کتاب در هشت گفتار تنظیم شده است. گفتار چهارم، پنجم و ششم، به جدی‌ترین موضوعات مطرح در حکمت اسلامی می‌پردازد: «جبر و اختیار»، «قضاء و قدر» و «بداء، خلد و ابد». به دلیل دشواری این موضوعات، در تبیین بحث به آیات و روایات زیادی استناد شده و نظرات دیگران نیز در این باب آمده و بررسی گشته است. آنچه در پی می‌آید، بیان او است از آیه ۷۱ سورهٔ مریم، «إِن مِّنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا»، در گفتار پنجم (قضاء و قدر).

کلیدواژه‌ها: جهنم - بهشت - دوزخ - جبر - اختیار - قضاء و قدر - سید محمد جواد غروی - پیامبران - قرآن - چندگفتار.

بدان که «جهنم» در دنیا متحقق می‌گردد، و ظهور کامل آن در آخرت است. کما اینکه اصل «بهشت» در دنیا شکل می‌گیرد و ظهور تام آن در آخرت است. زیرا اصل هر چیزی سبب کامل آن چیز است، و سبب «بهشت و دوزخ» در دنیا تحقق می‌پذیرد. سپس آنکه لازم اختیاری که خداوند به انسان عطاء فرموده، خلیفه الهی بالقوه او است. پس اگر طاعت و عبودیت را، با شرائطش و موافق شریعت الهی اختیار نمود، بالفعل خلیفه شده. و اگر نافرمانی و پیروی شیطان را اختیار کرد، شیطان سرکش گشته است. پس «اختیار» در طاعات و معاصی، از لوازم خلافت است.

بناء بر این هرگاه انسان وارد مجتمع انسانی شود، وارد «جهنم» شده، زیرا اکنون توان آن را دارد که رذائل اخلاق و خباثت اعمال را اکتساب نماید، از دروغ و تکبر و بخل و حسد و ظلم و خیانت و جنایت. و نیز می‌تواند عامل به اضرار آنها باشد. پس اگر داخل در طاعات شود، از «جهنم» خارج می‌شود، و اگر مرتکب سیئات گردد، در آن باقی می‌ماند.

وَ إِن مِّنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا، ثُمَّ نُجِى الَّذِينَ اتَّقَوْا، وَ نَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا (مریم ۷۱ و ۷۲)

از شما کسی نیست مگر آنکه وارد بر آن آتش باشد، این حکم حتمی پروردگار تو است. سپس آنان را که پرهیزگاری نمودند نجات می‌دهیم و ستمکاران را در آن ماندگار می‌گزاریم.

در آخرت، هر آنچه که در دنیا اختیار نموده، منکشف و ظاهر و روشن می‌گردد.

لَقَدْ كُنْتُمْ فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ (ق ۲۲)

هر آینه تو از این غافل بودی، پس چشم بند تو را برداشتیم، آنگاه چشم تو در آن روز تیز است (و همه چیز را خواهی دید).



وُضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَا لِي هَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رُبُّكَ آخِدًا (كهف ۴۹)

و نامه اعمال «در برابر ایشان» نهاده شد، پس مجرمین را می‌بینی که از آنچه در آن است بیمناکند، و می‌گویند وای بر ما، این چه نامه‌یی است که هیچ کوچک و بزرگی را رهانکرده مگر آنکه شمرده است، و هر چه کرده بودند حاضر یافتند، و پروردگار تو بر آخدی ستم نمی‌کند.

وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ، وَ بُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ (شعراء ۹۱ و ۹۲)  
و بهشت برای پرهیزگاران پیش آورده شود، و دوزخ برای گمراهان نموده گردد.

و چونکه آخرت، فعلیات دنیا و ظهورات خفایا و بروز خبیای آن است، آنچه که در دنیا برانسان گذشته و عمل کرده، در آخرت، براو نمایان می‌گردد.

يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا وَ مَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ، تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَ بَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَ يُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ (آل عمران ۳۰)

روزی که هر نفسی آنچه خوبی کرده است حاضر می‌یابد و نیز آنچه بدی کرده است. دوست دارد که ای کاش بین آن اعمال زشت و میان او مسافتی بس دور می‌بود، و خداوند شما را از حریمش بر حذر می‌دارد و خداوند به بندگانش مهربان است.

بر این اساس، وقتی انسان وارد اجتماع می‌گردد، هم می‌تواند اطاعت خدا را کند و هم نافرمانی او را. اسباب دخول جهنم در اختیار او است و در دوزخ اعمال و اخلاق وارد شده. پس اگر پرهیزگار بوده از معصیت ربّ متعال اجتناب نماید، و اطاعت و تقوای او را پیشه سازد، خدا وی را از عذاب نجات می‌دهد. و هر کس که از امر او تخلف کند و به خود ستم روا دارد، در جهنم و امی گزارده‌اش. پس هر انسانی، حتی انبیاء، در جهنمی که لازم اختیار است، وارد می‌شوند. حال اگر ارتکاب معاصی در اختیار انسان نباشد، نفس «اختیار» متحقق نمی‌گردد. بناء بر این پیامبران هم داخل در دوزخ دنیا می‌گردند. ابراهیم با نمرود، موسی با فرعون، عیسی با یهود، و محمد مصطفی صلی الله علیه و آله با قریش و یهود و سائر اعراب. پس چون اطاعت خدا را نمود و از هیچ یک از کفار پیروی نکرد، و سیئه‌یی از او صادر نشد، و با هیچ یک از اوامر باری تعالی مخالفت ننمود، و از پرهیزگاران شد، خدا وی را از دوزخ نجات داد. در آخرت نیز هر آنچه پیدا و پنهان بوده ظاهر می‌گردد، و معلوم می‌شود که اصل «جهنم» در دنیا و از دنیا بوده است. انبیاء و صلحاء نیز با کافران و عاصیان و ظالمان و طاغیان، وارد در دنیا هستند، ولی از اعمال و اخلاق آنها اجتناب نموده‌اند، خداوند هم در دنیا و آخرت ایشان را رستگار کرده است.